

شنگری



همایش خوانش رمان شنگری به زبان آلمانی در شهر آراو سویس، شام جمعه 25 جون 2010 برگزار گردید. آقای فیشر برگزارکننده همایش که نویسنده کتابی تأریخی در مورد سویس است، گفت: شنگری را چند بار خواندم و هر بار به چیزهای تازه‌یی رو به رو شدم. شنگری برای هر خواننده سخنی دارد که باید عمیق آن را خواند و به آن گوش فراداد.



در پاسخ و پرسش و گپ‌های توضیحی در مورد رمان شنگری گفته شد:
در شنگری نوعی مینی‌مالیزم را می‌بینیم. همان گونه که فشرده سخن گفته است، نام‌ها هم ارائه‌کننده معنای ویژه هستند. آمیختن عشق، جنگ و سیاست، در حقیقت ترسیم کشوری است که سده‌ها با این پدیده‌ها زیسته است.
شنگری خوب و بد را همه جا می‌یابد، در میان هرملتی و سرزمینی، حتا سرباز تجاوزگر در آن می‌تواند خوب باشد و جنگجوی مقدس بد.
وقتی باستانشناسان در جستجوی قدیم‌ترین مدنیت، با مردانی رو به رو می‌شوند که موتر مسافربری را حیوان بزرگی می‌پندارند، شنگری متمدن بودن را به جغرافیای درون آدم‌ها وابسته می‌نمایاند.
نگاه طنز آلود شنگری به شعاردهنده‌گان چپ و راست، در جامعه‌یی که هنوز روستاییانش برای «چرخ» معنایی فراتر از چرخ ریسنده‌گی نمی‌یابند، «خورد شدن زیر چرخ‌های سرمایه» و «اتحاد کارگران جهان» چه چیزی را می‌تواند بگوید؟

وقتی هم آرا زین پناهجویی که شوهرش را پس از شرکت در جنگ عراق، به جرم هیچ به دار می‌زنند، از سوزِ غربت در پاکستان، زیستن در آتشِ جنگِ وطن را ناگزیر می‌شود، شعار «برادری دینی» را می‌توان خندید. شنگری از جامعه‌ی سخن می‌گوید که دادگرِ دادگاهش ورد خوانی‌ست که با خوانشِ پشتِ ناخنِ کودکی فرمانِ محکومیت می‌دهد.

آن گاه که از اسطوره‌های زبانِ پارسی در کتاب، و باورِ پژوهشگران در مورد زادگاهِ زبانِ پارسی سخن به میان آمد، یک زن آموزگارِ سوئسی به سختی پذیرفت که زادگاهِ زبانِ پارسی سرزمینی باشد که امروز افغانستان می‌خواندش.



در پایان همایش، هیچ کسی بی خرید کتابی و داشتنِ دستخطی سالون را ترک نگفت، به یاد سخنِ حیدری وجودی افتادم که می‌گفت: اگر این‌جا دوصد جلد از کتابی به فروش برود، بسیار است. این سخن را زمانی باور کردم که گدام‌های مطبوعه دولتی پروان و کابل را پر از کتاب‌هایی یافتم از نویسندگانِ نامور و گمنام.

شنگری در جنوری سال 2009 از سوی بانوی فرهیخته‌یی از سرزمین سنایی خانم منیژه نادری مسؤول بنیاد انتشارات شاهنامه- بی هیچ چشمداشتِ مادی، در جایی که هم‌میهنانش از باز شدن یک قصابی حلال بیش‌تر از گشایشِ کانونِ نشراتی استقبال می‌کنند- به چاپ رسید.

سالی پس از نشرِ فارسی، شنگری با برگردانی بانو فرزانه خنجی مهران به زبانِ آلمانی چاپ و نشر شد. چاپِ آلمانی شنگری در سایتِ آمازون در دسترس است.